



## درس‌هایی از مکتب روزنامه‌نگاری

### خبر - تفسیر



۱- تفسیر شخصی: یک فرد حقیقی درباره علت وقوع خبر و یا جنبه‌های فرعی و یا پنهانی آن به تفسیر می‌نشیند.

۲- تفسیر گروهی: در یک نشست همگانی، تعدادی از افراد حقیقی به شرح و تفسیر یک خبر می‌پردازند و در پایان نظر مشترک خودشان را به صورت یک اطلاعیه منتشر می‌نمایند.

در بیان تفسیر اخبار، رسانه‌های نوشتاری و به ویژه روزنامه‌ها از ارزش و اهمیت بالاتری برخوردارند. رادیو و تلویزیون اگر چه پس از بیان کلی اخبار و اعلام اولیه خبر به تحلیل و تفسیر آن می‌پردازند، اما در عمل نمی‌توانند رضایت تمام بینندگان خود را فراهم سازند. رادیو و تلویزیون به علت محدودیت زمانی و تراکم برنامه‌های جاری

وظیفه‌ی خبرنگار تهیه‌ی خبر است و قضاوت درباره آن بر عهده مفسر می‌باشد.

واقعی دارد بیان کند، نه چیزی بیش‌تر و نه چیزی کم‌تر. مثال خبری: امروز در یک روی داد بی‌سابقه‌ی ورزشی، سه نفر از قهرمانان دو و میدانی جهان به طور هم زمان از خط پایان مسابقه گذشتند. مثال دیگر:

تماشاچیان خشمگین مسابقه‌ی فوتبال تیم‌های آرشاک و صوفیه پس از فرو ریختن قسمتی از سکوی استادیوم و کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از حاضران در استادیوم، صدها اتوبوس و اتومبیل سواری را به آتش کشیدند.

دو خبر یاد شده فقط به بیان شرح عینی خبر پرداخته و هیچ توضیح و تفسیر اضافی برای آن نداده‌اند. چنان چه در ادامه‌ی خبر درباره علت موضوع و یا علت حادثه چیزی نوشته شود و یا شرحی اضافی از آن چه که دیده شده است در ادامه‌ی خبر بیاید، خبر به شکل تفسیری در آمده است. تفسیر خبر دو گونه است:

ادامه از شماره گذشته  
پیش‌تر اشاره کردیم که خبر، اعلان گزارشی از روی دادها و حوادث زندگی است که در شکل و محتوای مختلف نمایان می‌شود. خبر همیشه حالت اطلاعیه دارد. خبرنگار، گزارش‌گر و یا تولیدکننده خبر به جز بیان اصل و محتوای خبر مجاز نیست چیزی به آن بیفزاید. چنان چه برنامه‌های اخبار رادیو، تلویزیون و یا به تیر و سرتیتر روزنامه‌ها با دقت توجه شود، گوینده و یا خبرنگار ابتدا به بیان ساده و غیر تحلیلی خبر می‌پردازد. در بیان

تفسیر جانب دارانه خیانتی آشکار به مخاطبینی است که از هدف خبرنگار اطلاع ندارند.

یک خبر ساده هیچ نیازی به شرح و تفسیر آن نیست. وقتی خبر از حالت بیانی خارج شده و درباره‌اش توضیح داده شود، آن توضیح را «تفسیر» می‌نامند.

به کلامی دیگر، خبر عین واقعه و آن چه را که اتفاق افتاده است بیان می‌کند. خبرنگار در بیان یک خبر متعهد است آن چه را که دیده و یا شنیده است و رنگ حقیقی و

هیچ روزنامه‌نگاری مجاز نیست عقاید شخصی خود را به عنوان تفسیر خبر به جامعه دیکته کند.



تشریح خبر یعنی شرح  
کامل تر از خبری که  
پیش تر تیترو آن اعلام  
شده است.

دیگر نیز وجود دارند که اگر شرح و تفسیر  
نداشته باشند نا مفهوم و گنگ باقی می ماند.

### تشریح و تحلیل خبر، تفسیر خبر

بسیاری از افراد متخصص و غیر متخصص و  
حتی بسیاری از روزنامه نگاران بین تشریح و  
تحلیل خبر از یک سو، و تفسیر آن از  
سوی دیگر تفاوتی قائل نیستند.

تشریح و تحلیل: بیان تشریحی و عینی  
و واقعی یک خبر بدون هیچ گونه  
دخل و تصرف شخصی، تشریح و  
تحلیل خبر نامیده می شود. تشریح و  
تحلیل نباید با تفسیر اشتباه شود.  
تشریح خبر، شرح کامل تر از خبری  
است که سویترو آن پیش تو اعلام شده  
است.

تفسیر: بیان شخصی بی طرفانه و  
ارزیابی ذهنی عادلانه از یک روی داد  
یا خبر، با یکدیگر متفاوت بوده و هر  
خبری، تفسیری جداگانه دارد. ممکن

است یک خبر تشریحی را چندین مفسر  
تفسیر کنند و هر یک از تفسیرها حاصل  
برداشت های شخصی، ذهنی و فکری یک  
مفسر ویژه باشند. بسیار اتفاق افتاده است که

۱- گروهی از دانشجویان دانشکده فنی  
اعتصاب کردند. «خبر»

۱- دانشجویان دانشکده فنی به علت  
هجوم افراد ناشناس به دانشگاه و ضرب  
و شتم آنان دست به اعتصاب زدند. قرار  
است مقامات مسؤل دانشگاه و دولت در  
این مورد اطلاعیهی مشترکی صادر  
نمایند. «تفسیر»

۲- تماشاچیان مسابقه ی فوتبال در  
استادیوم شهر رزماری تعداد زیادی از  
صندلی ها را به آتش کشیدند. «خبر»

۲- در پی ایجاد اختلاف بین داور و  
بازیکنان تیم مارگریت، طرف داران  
تیم مقابل، استادیوم را به آشوب کشیده،  
بسیاری از جای گاه ها را آتش زدند و  
تعدادی از طرفداران دو طرف کشته و  
زخمی شدند. به نظر می رسد اختلافات  
سیاسی پشت پرده، عامل اصلی این آشوب ها  
بوده است. «تفسیر»

بی طرفی خبرنگار ،  
حقیقی بودن خبر ،  
واقعی بودن خبر و  
اصالت خبر چهار رکن  
اصلی خبر هستند.

در علم روزنامه نگاری نوین، تفسیر خبر از  
اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد و به همین  
دلیل مفسران مطبوعات بیش تر از سایر  
کارکنان مورد توجه عموم قرار می گیرند.  
برخی از خبرها احتیاج به شرح و تفسیر  
ندارند. نگاه کنید:

۱- باران های سیل آسا زمین های خشک را  
سیراب کرد.  
۲- برف سنگین سراسر استان آذربایجان را  
پوشاند.



بنابراین بسیاری از خبرها هستند که یک بیان  
ساده از یک روی داد ساده هستند و احتیاجی  
به شرح و تفسیر ندارند. و بسیاری از خبرهای

۳- زمین لرزه قسمت بزرگی از قله ی سبلان  
را متلاشی کرد.  
و برخی دیگر نیازمند تفسیر هستند. نگاه  
کنید:



نماید، از تعهد روزنامه نگاری خود خارج شده و نظریه پردازی شخصی و جانب دارانه را جای گزین تفسیرهای علمی و تخصصی کرده است.

هیچ روزنامه نگاری مجاز نیست عقاید شخصی خود را به عنوان تفسیر خبر به جامعه دیکته کند. در این صورت به حقوق مردم تجاوز کرده است. به همین نسبت یک روزنامه نگار متعهد مجاز نیست که هر خبری را که حتی مورد علاقه و استقبال عموم قرار گرفته باشد منتشر نماید. بسیار دیده شده است که عقاید عمومی در هنگام ارزیابی و داوری اشتباه می کنند و تشخیص درستی و نادرستی آنان بسیار مشکل است. تا امروز چنین بوده است که تهیه کنندگان

چنانچه روزنامه نگاری بخواهد بدون در نظر گرفتن نیازهای طبیعی جامعه و مردم آن

**رسانه های گفتاری و تصویری به علت محدود بودن ساعت های پخش برنامه ، مانند رسانه های نوشتاری نمی توانند به تفسیر اخبار پردازند.**

فقط به باور و اعتقاد خود استوار بوده و تفسیری شخصی از خبرهای موجود ارایه

تفسیرهای مختلف یک خبر تشریحی که از سوی چندین مفسر به تفسیر کشیده شده اند، هیچ گونه شباهتی به یک دیگر نداشته و حتی خلاف یک دیگر نیز بوده اند. علت این امر بسیار روشن است، زیرا هر یک از مفسرین تابع برداشت های شخصی خود از یک واقعه می باشند.

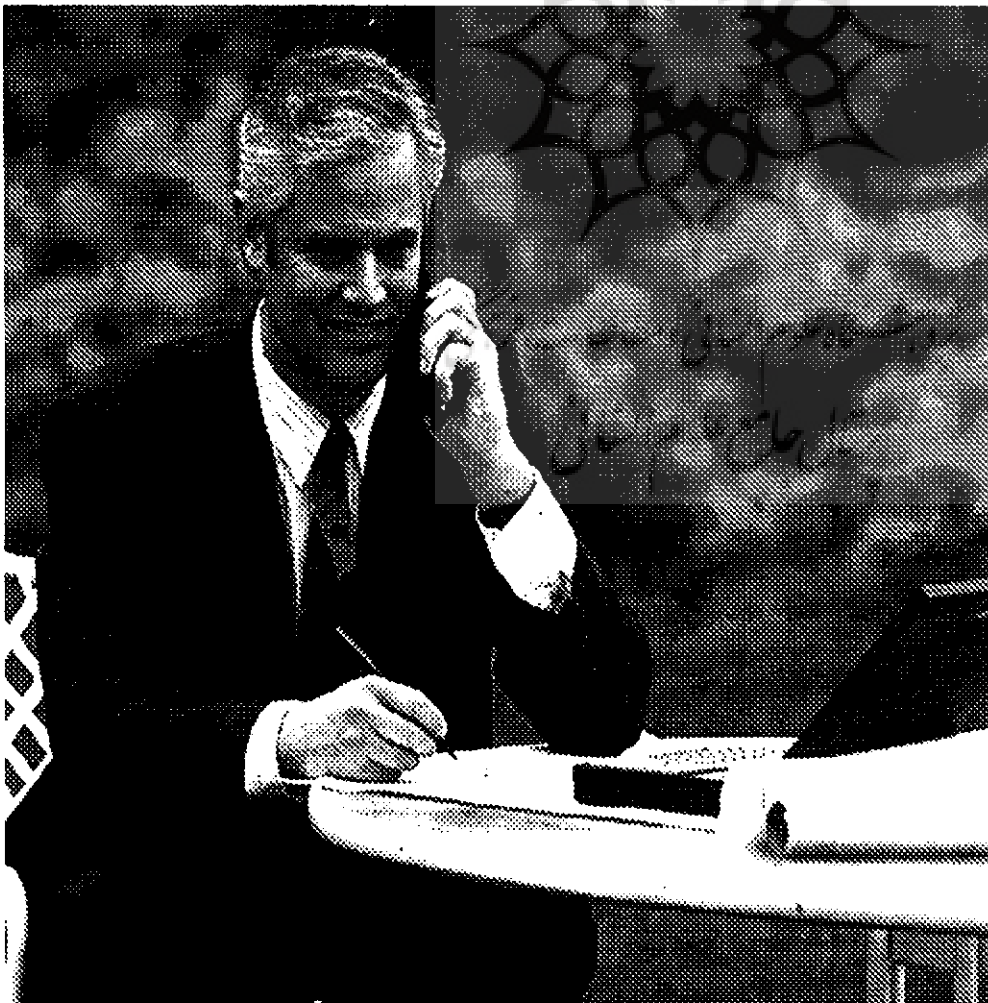
یک روزنامه نگار متعهد همیشه به چهار اصل متعهد و معتقد است. اصل بی طرفی در گزارش یک خبر، اصل حقیقی بودن خبر، اصل واقعی بودن خبر و اصل اصالت خبر.

در بسیاری از کشورهای پیش رفته جهان که به روزنامه نگاری به عنوان یک علم نگاه می کنند. خبرنگار و مفسر دو شخصیت حقیقی، اما جداگانه هستند. وظیفه ی خبرنگار تهیه ی خبر است و قضاوت درباره آن خبر بر عهده مفسر می باشد. هیچ یک از خبرنگاران مجاز نیستند درباره خبری که تهیه کرده اند قضاوت نمایند و یا به تفسیر آن بنشینند.

انگلو ساکسون ها تعبیر زیبایی در این مورد دارند و می گویند:

«خبر مقدس است، اما تفسیر آن آزاد می باشد» البته این جمله را به سی. پی. اسکات C.P. SCOTT بنیان گذار روزنامه ی «منچستر گاردین» نیز نسبت داده اند. بدون تردید خبر همیشه همراه با تفسیر است و رسانه های نوشتاری و حتی تصویری ناچار هستند تا خبرهای خود را تفسیر کنند.

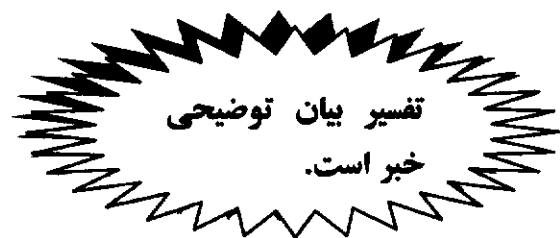
درست است که تفسیر خبر آزاد می باشد و هر کس می تواند با توجه به اعتقاد و باور خود هر خبری را تفسیر نماید، اما نباید فراموش کرد که تفسیر شخصی، یک جانبه و ناعادلانه از خبر، نتیجه ای بسیار ناخوشایند و تحریک کننده در افکار عمومی و جامعه دارد.





سخت به اشتباه رفته‌ایم. به همین نسبت است کار تفسیر یا قضاوت در خبرهای تهیه شده توسط خبرنگاران مختلف در سراسر جهان. همان‌گونه که یک قاضی نمی‌تواند خود را از منافع و مصالح جامعه دور نگاه داشته و نسبت به افکار عمومی بی‌تفاوت باشد، بدون تردید یک خبرنگار هم، همین وظیفه را

عدالت و بی‌طرفی را حفظ کرده و از ابزار سلیقه‌های شخصی و جانب‌دارانه خودداری کنند، نتیجه‌های بهتر و مثبتی گرفته خواهد شد. زیباترین کلام برای نشان دادن یک خبرنگار کار آزموده و بی‌طرف این است که، این شخص همیشه خودش را مانند



خبر در عین حال تفسیر کنندگان خبر نیز بوده‌اند. این موضوع در صورتی مفید است که خبرنگار در هیچ صورت و حالتی باورهای شخصی و اعتقادات جانب‌دارانه را وارد جریان‌های عینی خبر ننماید. تفسیر جانب‌دارانه خیانتی آشکار به مخاطبینی است که از هدف خبرنگار اطلاع ندارند. عواقب شوم این شخصی‌گرایی‌ها و اعمال نظرهای فردی در تفسیر خبرها بر جامعه باعث شده است تا علم نوین روزنامه‌نگاری، خبر را در اختیار خبرنگار و تهیه‌کننده خبر بگذارد و تفسیر آن را در اختیار مفسرین متخصص و آگاه قرار دهد. با این تفکیک وظیفه، بسیاری از اعمال نظرهای شخصی و ابراز سلیقه‌های خصوصی از دنیای خبر زدوده می‌شوند.

بسیاری از کارشناسان علم نوین روزنامه‌نگاری اگر چه این تفکیک وظایف را پذیرفته‌اند، اما بر این باورند که نباید خبرنگار را به شکلی مطلق و یک‌جانبه از تفسیر خبری که خودش تهیه می‌کند بازداشت. چنان چه به خبرنگاران آموزش داده شود که در تهیه و تفسیر خبرها جانب



عهده‌دار می‌باشد. آخرین کلام این که تمام وظایف حرفه‌ای خبرنگاران در یک واژه خلاصه می‌شود و آن «تعهد» در شغل مخاطره آمیزی است که برای خود انتخاب کرده‌اند. شاید به همین دلیل باشد که **جامعه‌ی جهانی کار روزنامه نگاری را حرفه‌ای سخت و سنگین ارزیابی کرده است.**

ادامه دارد.

آینه‌ای ببیند که فقط شاهد حوادث و روی‌دادها است. خبرنگار، دادستان و یا وکیل دعاوی نیست که با نظری جانب‌دارانه به موضوع نگاه کند. خبرنگار یک قاضی عادل است که بدون توجه به منافع شاکلی و متشاکلی رأی خود را صادر می‌کند. اگر تصور کنیم که یک قاضی عادل در هنگام دادن یک رأی نهایی فکر، منطق، خرد، احساس و عواطف بشر دوستانه ندارد،

خبر اعلان گزارشی است از یک روی داد، بدون شرح و تفسیر جانبی آن.